

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره هفتم ، شماره بیست و پنجم ، پاییز ۱۳۹۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۹/۱۵

صفحات: ۱۵۸ - ۱۳۹

پیش بینی طلاق عاطفی براساس ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های رضایت زناشویی

مرضیه صادق مزجی^۱، حسین صائمی*^۲

چکیده

خانواده یک نظام اجتماعی است که مبنای اصلی توسعه یافتگی در تمام جوامع به شمار می رود. نابسامانی نهاد خانواده یا گسیختگی آن موجب بروز مشکلات فراوان در جامعه خواهد شد. طلاق یکی از انواع گسیختگی های خانواده است که آمار آن در ایران طی سالهای گذشته رو به افزایش بوده است. همچنین یکی از مهمترین انواع طلاق، طلاق عاطفی است که در جایی ثبت نمی شود و نمود عینی ندارد. اما آثار مخرب آن در زمینه های مختلف بروز پیدا می کند.

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت طلاق عاطفی و پیش بینی آن براساس ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های رضایت زناشویی در شهرستان شاهرود در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. به این منظور تعداد ۶۳۰ نفر از افراد متاهل به صورت تصادفی انتخاب و پس از توضیحات لازم و جلب مشارکت آنها اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته اخذ و برای بررسی متغیرهای اصلی پژوهش از پرسشنامه های طلاق عاطفی گانمن، پرسشنامه شخصیتی NEO و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (Enrich) و برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی و برای معناداری آن از آزمونهای همبستگی، تحلیل واریانس چند راهه و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که ۳۷٪ از افراد گروه نمونه دچار طلاق عاطفی هستند و همچنین در مجموع ۶۷٪ از افراد گروه نمونه از یک یا چند مشکل در رابطه عاطفی با همسر رنج می برند. ۳۲٪ از تغییرات طلاق عاطفی به وسیله ویژگی شخصیتی نوروگرایی و موضوعات شخصیتی در آزمون انریچ قابل پیش بینی است و با اضافه شدن متغیر ارتباط زناشویی ۴۱٪ و با اضافه شدن متغیر حل تعارض ۴۹٪ و با اضافه شدن متغیر رابطه جنسی ۶۲٪ و با اضافه شدن سایر متغیرها ۷۳٪ افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: طلاق عاطفی، ویژگی شخصیتی، رضایت زناشویی.

^۱ - پلیس افتخاری شهرستان شاهرود

^۲ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود (نویسنده مسئول)

مقدمه

خانواده یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تامین و تضمین می کند خانواده جایگاهی است که فرد می تواند با تکمیل شخصیت خویش برای به عهده گرفتن نقش اجتماعی، در جامعه آماده گردد و براساس روابط مناسب در خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰).

هر جامعه ی در حال توسعه در روند تحول خود با موانع گوناگونی برخورد می کند که هر کدام به نوبه خود سبب رکود این تحول می شود شیوع و گسترش آسیبهای اجتماعی از جمله موانعی است که باعث هدر رفتن بسیاری از سرمایه های جامعه ی انسانی می شود. طلاق از جمله عوامل گسیختگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده است که عواقب بسیاری را برای افراد جامعه داشته و می تواند منشا بسیاری از آسیبهای اجتماعی باشد (مامی و همکاران، ۱۳۸۹).

پژوهشهای متعددی نشان دهنده آثار و عوارض منفی جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی طلاق برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماعات است. اثرات طلاق بر روی فرزندان شامل افزایش احتمال خطر ابتلا به ناسازگاری های روانشناختی و افت عملکرد در مدرسه می باشد. از اثرات طلاق در بزرگسالان می تواند کاهش رضایت از زندگی، آشفتگی های روانشناختی، کاهش سلامت روانی، خشونت و خودکشی را نام برد (استاک^۳، ۲۰۱۲).

طلاق به عنوان آفت ازدواج تلقی می شود. طلاق به طور قانونی تصویب شده تا به ازدواجی که قانوناً صورت گرفته ولی دارای صلاحیت و کارایی نیست پایان دهد (بامرین^۴، ۲۰۱۲). ریچاد اوردی، نویسنده کتاب «زمینه اجتماعی ازدواج» چنین می نویسد: با کاربرد شیوه های گوناگون در شناخت روابط خانوادگی ملاحظه می شود که در حال حاضر حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد ازدواج هایی که برای اولین بار منعقد می شود به طلاق، ترک یا انحلال خانواده منتهی می شود (مامی، ۱۳۸۹).

دگرگونی در فضای عاطفی خانواده در رفتار کودک تاثیر دارد، تغییر حالت های پدر و مادر تند خویی یا افسردگی آنها در کنش متقابل پدر و مادر تاثیر می گذارد (داگلاس، ۱۳۸۳). به اعتقاد برهانان (۲۰۰۷) چنانچه زوجی تصمیم به طلاق بگیرند تعدادی مراحل انتقالی عمده در سبک زندگی و نگرش باید طی شود. روش مرحله ی متداخل طلاق را متمایز می سازد که زوجی که از یکدیگر جدا می شوند ناچارند آنها را پشت سر بگذارند که همه این مراحل ممکن است دشواریها و تنش هایی پدید آورد که بر زن و شوهر، فرزندان، خویشاوندان و دوستان آنها تاثیر دارند .

طلاق عاطفی :

بیانگر رابطه زناشویی رو به زوال است، تنش فزاینده زن و شوهر معمولاً به جدایی می انجامد.

طلاق اقتصادی:

به تقسیم ثروت و دارایی ها می انجامد.

طلاق اجتماعی :

به تغییر در دوستی ها و سایر روابط اجتماعی منجر می شود .

طلاق روانی :

از طریق آن فرد پیوندها و وابستگی های عاطفی را قطع می کند و با الزامات تنها زیستن رو به رو می شود .

طلاق قانونی:

متضمن زمینه ها و دلایلی است که بر پایه آن به ازدواج پایان داده می شود(باستانی و همکاران، ۱۳۸۹) .

ملاحظه می شود که طلاق عاطفی سرچشمه انواع دیگر طلاق است و بیانگر روابط زناشویی رو به زوال است که احساس بیگانگی جایگزین آن خواهد شد (اولسن و دفراین^۵، ۲۰۰۶). زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود تجربه می شود که هریک از زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار می دهد(باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹). طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است .

همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می کنند و هریک به دنبال یافتن دلایلی برای اثبات عیب و کوتاهی و غلبه مندی و طرد دیگری هستند (لاور و لاور^۶، ۲۰۰۷). طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباط صحیح و سالم بین زن و شوهر است . اگر این مشکل ارتباطی در سطح کوچک یعنی خانواده، و در بعد وسیعتر یعنی جامعه نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباطات انسانی را مختل کند. وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیانهای اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگونی سوق داده می شود (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰) .

⁵ -Olsen & Defrain

⁶ - Laur& Laur

بسیاری از زوج ها با هم زندگی می کنند ولی از وجود و درون هم خبری ندارند. قطع روابط عاطفی نتایج پنهان و ناگفته های بسیار دارد که نباید آنها را دست کم گرفت. بسیاری از خانواده ها مشکلات زندگی زناشویی را به دست گذر زمان می دهند که به گفته خودشان بعدا درست خواهد شد. بعدا با آوردن فرزند بهبود پیدا می کند، اما غافل از اینکه بی اهمیت جلوه دادن مشکلات و مسائل و موکول کردن آنها به گذشت زمان می تواند سایه مشکلات را گسترده تر کند در این شرایط گاهی کودک قربانی تسویه حسابهای والدین می شود و بیشترین آسیب به روح و روان کودک وارد می شود. این کودکان اگر در ظاهر ممکن است سالم بمانند و به معضلات اجتماعی از قبیل جرایم، جنایات، مواد مخدر و الکل و غیره کشیده نشوند، باز شادی و سرزندگی خود را از دست می دهند و مسلما نمی توانند پدران و مادرانی بهتر از پدر و مادران خود برای فرزندانشان باشند. این کودکان در شرایط پیش آمده زندگی خود احساس تنهایی، سرخوردگی و بی حمایتی می کنند (مامی، ۱۳۸۹).

یافته های پژوهش ها نشان می دهند که عوامل شخصیتی از پیش بینی کننده های تجربی رضایت زناشویی و طلاق عاطفی هستند. وجود رابطه بین عوامل شخصیتی و عدم رضایت زناشویی و مشکلات عاطفی زوجین با استفاده از طرح های طولی و مقطعی مختلف تایید شده اند (برونچر و دیگران، ۲۰۰۸). کلمپر، و نیلسون و باتن (۲۰۰۵) در پژوهش خود بر این نکته تاکید کردند که هر فرد برای اجتماعی شدن و رویارویی با افراد و موقعیت های گوناگون به ساختارهای روانشناختی و ویژگی های شخصیتی خاصی مجهز است که در متغیرهای مختلف زندگی مانند روابط فردی، عملکرد شغلی و رضایت از زندگی تاثیر دارند. مالوف و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه خود بین شخصیت (بهنجار و نابهنجار) و رضایت زوجین رابطه معنادار یافتند .

از طرفی طلاق عاطفی نتیجه مشکلات ارتباط زناشویی و فقر عاطفی ناشی از فرسایش عاطفی است (محمد زاده و همکاران، ۱۳۸۹). رضایت زناشویی می تواند پیش بینی کننده

پایداری و ناپایداری یک رابطه باشد. کبنی و مادوکس^۷ (۲۰۰۲)، به نقل از محمد زاده و همکاران، (۱۳۸۹) معتقدند رضایت زناشویی یکی از تجربیات شخصی هریک از زوجین است که می تواند در پاسخ به سطح لذت در زندگی زناشویی ارزیابی گردد و به انتظارات، نیازها و خواسته های فرد در ازدواج بستگی دارد .

رضایت زناشویی استحکام بنیان خانواده و سلامت روانی افراد را تضمین می کند. اما رضایت در رابطه زناشویی، به سادگی حاصل نمی شود بلکه نیازمند تلاش قابل توجهی از جانب هر دو شریک در زندگی مشترک است (استراکبین^۸، ۲۰۰۱؛ نقل از مامی، ۱۳۸۹). اینکه چرا رضایت مندی در زندگی زناشویی نقش مهمی را بر عهده دارد، باید گفت که احساس افراد درباره جنبه های زندگی شان و کیفیت آنها با روابط خانوادگی، عاشقانه، دوستانه و صمیمی، ارتباط دو سویه وجود دارد (مامی، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر نارضایتی، آشفتگی در روابط زوجین و طلاق عاطفی یا قانونی به ویژگیهای شخصیتی ارتباط دارد. مشکلات اضطرابی متأثر از ویژگیهای شخصیتی فرد است که می تواند زمینه ساز روابط فرا زناشویی، معشوقه بازی، عدم تعهد، بی بندوباری جنسی، کاهش رضایت جنسی، اعتیاد و شک و تردید و در نتیجه مشکلات عمیق در روابط بین فردی زوجین باشد (مسترز^۹، ۲۰۰۸؛ تیلگمن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از باستانی و همکاران، ۱۳۹۰).

به دلیل اهمیت رضایت زناشویی و مولفه های آن و همچنین ویژگیهای شخصیتی در شرایط عاطفی زوجین بررسی و شناخت عوامل مرتبط با آن ضروری است تا در صورت امکان از طریق کنترل و یا آموزش آن به خانواده ها و زوجین از مشکلات عاطفی آنها پیشگیری و یا موجبات افزایش رضایت و عملکرد عاطفی آنها فراهم شود. از آنجایی که بسیاری از زوجین با مسائل شخصیتی و هیجانی که اکتسابی هستند وارد ازدواج می شوند، در صورت شناخت و تنظیم آن می توان از طلاق عاطفی و مشکلات ارتباطی پیشگیری

7 -Caplan& Maddox

8 -Sterackbein

9 -Masters

10 - Tylgman

نمود . با توجه به اهمیت شناخته شده سازه شخصیت و رضایت زناشویی در موفقیت یا شکست زندگی مشترک تاکنون تحقیق منسجمی در خصوص پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس این ویژگی ها انجام نشده است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف پیش بینی طلاق عاطفی براساس ویژگی های شخصیتی، رضایت زناشویی و مؤلفه های آن و همچنین برای پاسخ به سوالات زیر انجام شده است :

فراوانی مشکلات عاطفی و طلاق عاطفی چگونه است ؟

رابطه بین طلاق عاطفی با ویژگیهای شخصیتی چگونه تبیین می شود ؟

رابطه بین طلاق عاطفی با رضایت زناشویی چگونه تبیین می شود؟

کدام مؤلفه های رضایت زناشویی و شخصیتی پیش بینی کننده قوی تری در مورد

طلاق عاطفی هستند ؟



روش شناسی

روش تحقیق این مطالعه از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی زوجین در محدوده سنی ۲۳ تا ۴۲ در شهرستان شاهرود در سال ۱۳۹۳ است. نمونه با استفاده از جدول مورگان و نوع روش پژوهش ۶۳۰ نفر در نظر گرفته شد که به صورت تصادفی انتخاب شدند و پس از توضیحات لازم و جلب مشارکت و همکاری آنها، اطلاعات دموگرافیک از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شد و برای متغیرهای اصلی پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد :

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن

این پرسشنامه شامل ۲۴ عبارت است که توسط گاتمن (۲۰۰۸) به منظور بررسی طلاق عاطفی در زوجین تهیه و تنظیم شده است. که به صورت بله یا خیر پاسخ داده می شود و نمره ۱۲ نمره متوسط محسوب می شود. نمره بالاتر از آن تا حداکثر ۲۴ نمره نشان دهنده طلاق عاطفی و پیش آگهی برای مشکلات عاطفی عمیق بین زوجین است. این پرسشنامه در پژوهشهای زیادی به کار گرفته شده است از جمله پژوهش مای و عسگری (۱۳۸۹) که آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی پرسشنامه ۰/۸۳ ذکر شده است. همچنین اعتبار این آزمون در این پژوهش با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۸۶ مشخص شد.

پرسشنامه شخصیتی NEO

پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیتی NEO-FFI (مورد استفاده در این پژوهش) فرم کوتاهی از پرسشنامه تجدید نظر شده NEO است که برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت توسط کاستا و مک گری (۱۹۹۲) طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۶۰ آیتم است. خرده مقیاسهای هریک از پنج عامل عبارتند از: ۱. نوروتیک یا بی ثباتی هیجانی (N) ۲. برون گرایی (E) ۳. گشودگی (O) ۴. توافق (A) ۵. مسئولیت پذیر بودن یا وجدان بودن (C).

ضریب آلفای گزارش شده پرسشنامه توسط مک گری و کاستا بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. در تحقیقی که توسط بوچارد^{۱۱} و همکاران در سال ۱۹۹۹ صورت گرفت، ضریب آلفا برای نوروزگرایی ۰/۷۵، برای برون گرایی ۰/۷۲، برای گشودگی ۰/۶۸، برای توافق ۰/۶۹، و برای مسئولیت پذیری ۰/۷۹ به دست آمده است که نشان دهنده همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بوچارد و همکاران، ۱۹۹۹). در زمینه

¹¹ -Bouchard

روایی همزمان این پرسشنامه، بین پرسشنامه مایرز و بریگز^{۱۲} و پرسشنامه شخصیتی مینه سوتا^{۱۳} رابطه بالایی گزارش شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۹).

مقیاس رضایت زناشویی (Enrich)

این مقیاس در ابتدا برای توصیف پویایی های ازدواج ، جهت پژوهش ایجاد شده اما اندک زمانی نگذشت که به عنوان یک ابزار تشخیصی ، برای زوج های متأهلی که به دنبال مشاوره ازدواج و غنی سازی آن بودند کار گرفته شد (السن ، ۱۹۸۹).

السن و دیگران (۱۹۸۹) آخرین بار یک فرم ۴۷سئوالی معرفی نمود که پایایی آن با استفاده از روش ضریب الفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شد . در کشور ما اولین بار سلیمانیان و نوایی نژاد همبستگی درونی آزمون را برای فرم بلند ۰/۹۳ و برای فرم کوتاه ۰/۹۵ محاسبه و گزارش کرده اند . در یک پژوهش مهدویان (۱۹۷۶) در اعتبار یابی آزمون با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش باز آزمایی ، به فاصله یک هفته برای مردان ۰/۹۳ و برای زنان و مردان ۰/۹۴ به دست آوردند . این ضرایب برای خرده مقیاس های پاسخ قراردادی^{۱۴} ، رضایت زناشویی^{۱۵} ، مسائل شخصی^{۱۶} ، ارتباط^{۱۷} ، حل تعارض^{۱۸} ، مدیریت مالی^{۱۹} ، فعالیت های اوقات فراغت^{۲۰} ، روابط جنسی^{۲۱} ، فرزندان و فرزند ، خانواده و دوستان^{۲۳} ، نقش های مساوات طلبی^{۲۴} و جهت گیری مذهبی^{۲۵} گروه زنان و

12 - Myers Berigs

13 - MMPI

14 Conventionaliy

15 .Marital –satisfaction

16 .personality issues

17 .Marital communication

18 .Conflict resolution

19 .financial management

20 .Pleasure activities

21 .Sexual relation

22 .Marige and children

23 .family and friend

24 .egalitiation

25 .Religious

مردان به ترتیب عبارتند از : ۰/۷۲، ۰/۸۵، ۰/۷۶، ۰/۸۱، ۰/۶۳، ۰/۶۹، ۰/۸۷، ۰/۶۹، ۰/۶۲، ۰/۷۳ و ضریب آلفای پرسشنامه در پژوهش میرخشتی ۰/۹۲ گزارش شده است . السن (۱۹۸۹) معتقد است که این مقیاس به تغییراتی که در خانواده بوجود می آید حساس است و می تواند میزان تغییر و بهبودی زوجین را در فرایند مشاوره زناشویی ارزیابی کند . در این پرسشنامه بر اساس هنجار آن از نمره های T استفاده شده است که در آن نمره های کمتر از ۳۰ نشانگر نارضایتی شدید ، بین ۳۰ تا ۴۰ نشانگر عدم رضایت از روابط زناشویی ، نمره های بین ۴۰ تا ۶۰ نشان دهنده رضایت متوسط از روابط، نمره های بین ۶۰ تا ۷۰ نشان دهنده رضایت زیاد و نمره های بالا تر از ۷۰ نشان دهنده رضایت فوق العاده از روابط زناشویی است .



یافته ها

چنان که در جدول ۱ ملاحظه می شود، دامنه سنی گروه نمونه بین ۲۳ تا ۴۲ با میانگین ۲۸/۶ و انحراف استاندارد ۴/۱۳۸ است. میانگین مدت ازدواج ۶/۶۱ سال با انحراف استاندارد ۳/۷ و میانگین تعداد فرزندان ۱/۹ با انحراف استاندارد ۰/۹۶۳ و ۶۱/۵ درصد از افراد گروه نمونه دیپلم و زیر دیپلم و ۳۸/۵ درصد بالای دیپلم لیسانس، فوق لیسانس و دکتری بودند .

جدول شماره ۱: مشخصات گروه مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
سن	۲۸/۶	۴/۲۳۸
مدت ازدواج	۶/۶۱	۳/۷۲۱
تعداد فرزندان	۱/۹۰۱	۰/۹۶۳

جدول شماره ۲: فراوانی و درصد طلاق عاطفی در گروه نمونه

متغیر	نارضایتی شدید		عدم رضایت		رضایت نسبی		رضایت زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
طلاق عاطفی	۹۸	٪۱۵	۱۳۶	٪۲۲	۳۱۸	٪۵۰/۵	۷۸	٪۱۲/۵

همانطور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می شود ۱۵٪ از افراد گروه نمونه نارضایتی شدید و همچنین ۲۲٪ عدم رضایت از زندگی مشترک براساس آزمون گاتمن دارند در واقع مجموع کسانی که دچار طلاق عاطفی هستند ۳۷٪ را نشان می دهد. همچنین بررسی ها نشان می دهد که در مجموع ۶۷٪ از افراد گروه از یک یا چند مشکل در رابطه عاطفی با همسر رنج می برند.

برای آزمون معنا داری همبستگی ها ابتدا رابطه ویژگی ها شخصیتی و مؤلفه های آن به عنوان متغیرهای پیش بین و طلاق عاطفی به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون بین ویژگی های شخصیتی و طلاق عاطفی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون طلاق عاطفی بر ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های آن

مدل	SS	MS	f	p	R	R ²	SE
رگرسیون	۴۰۳/۱۲۰	۴۴/۷۹۱	۶/۲۱۰	۰/۰۰۱	-۰/۵۷۱	۰/۳۲۶	۲/۶۸۵
باقیمانده	۱۹۸۳/۵۸	۷/۲۱۳					

متغیر	B	SEB	Beta	T	P
نوروز گرایی	۰۳/۴۶۱	۰/۰۲۷	۰/۴۸۱	۵/۳۴۶	۰/۰۰۱*
برون گرایی	-۲/۰۰۴	۰/۰۴۵	۰/۰۰۶	-۳/۸۸	۰/۰۰۱
گشودگی	-۲/۱۷۷	۰/۰۴۰	۰/۱۰۷	-۱/۸۹۹	۰/۰۳۲
همسازی	-۱/۰۴۳	۰/۰۳۸	۰/۱۳۷	-۲/۱۴۸	۰/۰۴۱
مسئولیت پذیری	-/۰۱۵	۰/۰۳۵	۰/۰۳۱	-۲/۴۳۸	۰/۰۵

براساس نتایج جدول ۳ میزان F مشاهده شده معنی دار است ($P < 0/001$) و $0/۳۲/۶$ واریانس مربوط به طلاق عاطفی به وسیله ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های آن تبیین می شود ($R^2=0/326$). ضریب رگرسیون پیش بینی نشان می دهد که ویژگی شخصیتی می تواند واریانس طلاق عاطفی را به طور معنی دار تبیین کند. ضریب تاثیر ویژگی های شخصیتی ($P=0/481$) با توجه به آماره T نشان می دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹٪ می تواند تغییرات طلاق عاطفی را پیش بینی کند.

برای آزمون معنا داری همبستگی ها بین عامل طلاق عاطفی با رضایت زناشویی رابطه رضایت زناشویی و مؤلفه های آن به عنوان متغیرهای پیش بین و طلاق عاطفی به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند که نتایج تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون بین رضایت زناشویی و مؤلفه های آن با طلاق عاطفی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون طلاق عاطفی بر رضایت زناشویی و مؤلفه های آن

مدل	SS	MS	f	p	R	R ²	SE
رگرسیون	۱۲۸۶/۹۲۴	۸۰/۴۳۳	۷/۰۵۷	۰/۰۱	۰/۶۹۱	۰/۴۷۶	۳/۳۷۶
باقیمانده	۱۷۱۵/۸۴۹	۱۱/۳۹۷					

متغیر	B	SEB	Beta	T	P
رضایت زناشویی (کل)	۰/۲۱۸	۰/۱۰۴	۰/۵۷۶	۱/۰۹۹	۰/۰۱۳
ارتباط	۰/۳۱۱	۰/۰۹۷	۰/۴۴۲	۳/۲۰۷	۰/۰۰۲
حل تعارض	۰/۳۰۸	۰/۱۰۲	۰/۳۸۱	۲/۷۲۱	۰/۰۰۳
رابطه جنسی	۰/۲۸۵	۰/۱۰۸	۰/۵۹۱	۴/۹۹۸	۰/۰۰۱

براساس نتایج جدول ۳ میزان F مشاهده شده معنی دار است ($P < 0/01$) و $۴۷/۶\%$ واریانس مربوط به طلاق عاطفی به وسیله رضایت زناشویی و مؤلفه های آن تبیین می شود ($R^2 = 0/476$). ضریب رگرسیون پیش بینی نشان می دهد که رضایت زناشویی می تواند واریانس طلاق عاطفی را به طور معنی دار پیش بینی کند. ضریب تاثیر رضایت زناشویی ($\beta = 0/576$) با توجه به آماره T نشان می دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹% می تواند تغییرات طلاق عاطفی را پیش بینی کند.

به منظور پیش بینی میزان طلاق عاطفی براساس متغیرهای ویژگی های شخصیتی، رضایت زناشویی و مؤلفه های آن عوامل نوروگرایبی از ویژگی های شخصیتی و ارتباط، حل تعارض و رابطه جنسی از مؤلفه های رضایت زناشویی، رگرسیون گام به گام انجام شد که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. ضریب همبستگی چند گانه و نتایج رگرسیون به روش گام به گام برای متغیرهای پیش بینی کننده طلاق عاطفی

مراحل	متغیر	R	R ²	R ² استاندارد شده	خطای معیار برآورد	B	Std Error	Beta	T	P
۱	ثابت									
	نوروز گرای	-۰/۴۱۱	۰/۱۶۹	۰/۱۴۷	۲/۶۸۵	-۳/۴۶۱	۰/۰۲۷	۰/۳۸۱	-۵/۳۴۶	۰/۰۰۱
	ثابت									
۲	نوروز گرای	۰/۵۰۳	۰/۲۵۳	۰/۲۴۲	۸/۹۱۴	۴/۲۴۰	۱/۴۷۵	۰/۴۵۸	۶/۳۲۲	۰/۰۰۱
	ارتباط									
	ثابت									
۳	نوروز گرای	۰/۵۹۳	۰/۳۵۱	۰/۳۴۷	۲/۸۶۷	-۳/۸۵۸	۱/۴۵۸	۰/۱۸۹	۶/۴۰۳	۰/۰۰۱
	ارتباط									
	رابطه جنسی									
۴	ثابت									
	نوروز گرای	۰/۶۵۸	۰/۴۳۲	۰/۳۹۷	۳/۹۰۷	۶۳/۷۲۱	۴/۹۰۵	۰/۸۲۸	۸/۴۰۷	۰/۰۰۱
	ارتباط									
	رابطه جنسی									
	حل تعارض									

نتایج تحلیل واریانس برای اعتبار معادله رگرسیون نشان داد که با $F=18/79$ در سطح معناداری کمتر از $۰/۰۰۱$ رگرسیون انجام شده از اعتبار کافی برخوردار است. نتایج نشان می دهد $۳۲٪$ از تغییرات طلاق عاطفی بوسیله ویژگی شخصیتی نوروزگرایی و موضوعات

شخصیتی در آزمون انریچ قابل پیش بینی است و با اضافه شدن متغیر ارتباط زناشویی ۴۱٪ و با اضافه شدن متغیر حل تعارض ۴۹٪ و با اضافه شدن متغیر رابطه جنسی ۶۲٪ و با اضافه شدن سایر متغیرها ۷۳٪ افزایش می یابد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت طلاق عاطفی و پیش بینی آن براساس ویژگیهای شخصیتی و مؤلفه های رضایت زناشویی در شهرستان شاهرود انجام شد. نتایج آزمونها نشان داد که ۳۷٪ از افراد گروه نمونه از طلاق عاطفی رنج می برند و همچنین ۶۷٪ از افراد گروه نمونه از یک یا چند مشکل رابطه عاطفی با همسر رنج می برند .

نتایج آزمون ها نشان داد که بین سه عامل شخصیتی گشودگی، توافق و مسئولیت پذیر بودن با طلاق عاطفی رابطه معکوس و با ویژگی نوروپیک از ویژگی های شخصیتی رابطه مستقیم دارد. نتایج پژوهش های زیادی نشان داده است که این ویژگی های شخصیتی با رضایت از زندگی زناشویی ارتباط دارند یافته های این پژوهش نشان می دهد افراد دارای نمره نوروگرایی بالاتر نمره بالاتری در طلاق عاطفی و همچنین نمره پایین تری در نمره رضایت زناشویی دارند.

این یافته ها با نتایج پژوهش های پیشین هماهنگ است (برای مثال، کارنی و برابری، ۱۹۹۵؛ رابینز و دیگران ۲۰۱۰؛ شکرکن و دیگران، ۱۳۸۵) نوروگرایی عاملی از شخصیت است که ثبات عاطفی بالا و اضطراب پایین در یک طرف پیوستار و ثبات عاطفی پایین و اضطراب بالا در سمت دیگر آن قرار دارد. مردان و زنان دارای نمره بالا در این ویژگی، عواطف غیر منطقی بیشتر، کم توانی در رفتارها، برانگیختگی و ضعف در مقابله با مشکلات دارند. از توصیف های شخصیت با نمره بالا در عامل نوروگرایی این است که

آنها دمدمی مزاج، بسیار تحریک پذیر هستند که این ویژگی برابر توصیف زن و شوهرهای ناراضی و دچار طلاق عاطفی هم بکار می رود. از طرفی توافق، گشودگی و مسئولیت پذیری ویژگی هایی هستند که باعث می شود فرد رفتارهایی همانند همراهی، همدلی، تواضع و دیگر دوستی را بروز دهند چنین فرد سازش یافته ای، دلسوز و مراقب دیگران است و بهتر می تواند زندگی مشترک را پیش ببرد (لاش بری و دیگران، ۲۰۰۵).

نتایج نشان می دهد که متغیر مسئولیت پذیری پیش بینی کننده خوبی برای رضایت زناشویی است در تبیین این یافته می توان گفت همسرانی که وظیفه شناس نیستند از همسرشان عیب جویی و انتقاد بیشتری دارند در نتیجه، میزان و یا شدت انتقادهای منفی زناشویی افزایش می یابد و باعث ناسازگاری بیشتری و در نتیجه طلاق عاطفی خواهد شد (دافلان و دیگران، ۲۰۰۴).

از طرفی نمره کلی رضایت زناشویی با طلاق عاطفی رابطه معکوس دارد به عبارت دیگر کسانی که رضایت زناشویی کمتر داشته اند، احتمال طلاق عاطفی در آنها بیشتر است. براساس نتایج و یافته های پژوهش مولفه های موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، رابطه جنسی، ازدواج و فرزندان و اقوام و دوستان پیش بینی کننده های قوی تری برای طلاق عاطفی هستند. این نتایج با یافته های هوستون و همکاران (۲۰۰۱) همسو است.

یافته های پژوهش نشان می دهد که مولفه ارتباط زناشویی و حل تعارض با طلاق عاطفی رابطه معکوس دارد. به این معنی که بسیاری از زوجین که دچار مشکلات زناشویی و ارتباطی هستند، از استراتژی های معیوب ارتباطی استفاده می کنند و قادر به حل مشکلات خود نیستند. هوستون و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهش طولی خود به این نتیجه رسیدند که نقش شیوه های ارتباطی مناسب در ۲ سال اول ازواج و اثرات آن تا ۱۳ سال بعد کاملاً معنادار است.

از طرفی نتایج نشان داد که مولفه رضایت جنسی به طور معکوس پیش بینی کننده قوی برای طلاق عاطفی است. این نتیجه همسو با پژوهش های و برزیناک (۲۰۰۴)؛

نیکولز (۲۰۰۵)؛ بایرز (۲۰۱۱) است. در این پژوهشها عدم رضایت جنسی به عنوان عامل مهمی در پیش بینی طلاق عنوان شده است. در تبیین این موضوع می توان گفت که لازمه داشتن روابط جنسی مطلوب در هر سنی، داشتن رابطه عاطفی قوی با همسر و همچنین داشتن مهارت هایی است که قابل آموزش است که بسیاری از افراد در این زمینه آموزشهای لازم را دریافت نمی کنند .

به طور کلی می توان گفت که شواهد پژوهشی نشان می دهند که شخصیت و رضایت زناشویی، به پیش بینی اینکه ازدواجها احتمالاً به شکست منجر می شوند یا اینکه استحکام خواهند داشت می توانند کمک کنند .

شخصیت با زیر ساخت روانی روابط بادوام، رابطه دارد و بنابراین از پیش بینی کننده های کلیدی و اصلی موفقیت و شکست در ازدواج به شمار می رود. چنین به نظر می رسد که شخصیت، الگوهای تعاملی و حتی رضایت زناشویی را تحت تاثیر قرار می دهد. شاید بتوان گفت بسیاری از نارضایتی های زناشویی در مولفه های رضایت زناشویی متاثر از ویژگی های شخصیتی افراد است .

یافته های این پژوهش می تواند کاربرد زیادی برای مسئولان، جامعه شناسان و مشاوران داشته باشد، افراد و برنامه ریزان علاقمند به مسائل سلامت روان در جامعه و خانواده ها می توانند با توجه به عوامل مهم ثبات یا عدم ثبات خانواده ها برای آگاهی لازم افراد اقدام نمایند. برگزاری دوره های آموزشی برای آگاهی بخشیدن و تغییرات مثبت شخصیتی برای افرادی که در آستانه ازدواج هستند، مورد تاکید است. همچنین برای پیشگیری از طلاق یا طلاق عاطفی آموزشهای لازم به خانواده های ارائه و برای خانواده هایی که دچار تعارضات زناشویی هستند با مداخله های درمانی مناسب از طریق مراکز مشاوره به آنها کمک شود تا مشکلات خود حل و فصل نمایند.

محدودیت این پژوهش گروه نمونه از نظر متغیر تحصیلات ، عدم تجانس آزمودنی ها به دلیل تنوع شرایط اقتصادی و شغل افراد بود که در تحقیقات آینده باید به تاثیر این متغیر ها در طلاق عاطفی توجه شود.

منابع

- محمدزاده ابرهیمی، علی؛ رحیمی پرونجانی، طیبه، مهری، فرهاد و برمبلی، احمد (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایتمندی زناشویی، فصلنامه تازه های مشاوره جلد ۹، شماره ۳۳ مامی، شهرام، عسگری، میترا (۱۳۸۹). نقش تمایز یافتگی خود و سبک های دلبستگی در پیش بینی طلاق عاطفی
- شکر کن، ح، خجسته مهر و شهینی ییلاق (۱۳۸۵). بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناسی به عنوان پیش بینی های موفقیت و شکست رابطه زناشویی. علوم تربیتی و روان شناسی ۱۲۲.
- سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳). بررسی رابطه باورهای غیر منطقی با رضایتمندی زناشویی دانشجویان متأهل. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم .
- میرخشتی، فرشته (۱۳۷۵). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی و سلامت روان . پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۹۰).. پیامد های طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن. فصلنامه ی خانواده پژوهی، شماره ۲۱
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره. طلاق عاطفی (۱۳۹۰) علل و شرایط مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۲، صفحات ۱ تا ۲۲.
- Provencher, V., Begin, C., Girouard, M. P. G., Tremblay, A., Boivin, S., & Lemieux, S. (2008). Personality traits in overweight and obese women. *Eating Behaviors*, 9, 294-302
- Kemmelmeier, M., Danilson, C., & Batten, J. (2005). What's in a grade? Academic success and political orientation. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 1386-1399.
- Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N.S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The five factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, 44 (1), 124-127.

- Bouchard, G. , Lussier, Y. , & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the Five-Factor model of personality. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 651-660
- Robins, R. W., Caspi, A., & Moffitt, T. E. (2002). It's not just who you're with, it's who you are: Personality and relationship experiences across multiple relationships. *Journal of Personality*, 70, 925-964.
- Lounsbury, J. W., Welsh, D. P., Gibson, L. W., & Sundstrom, E. (2005). Broad and narrow personality traits in relation to cognitive ability in adolescents. *Personality and Individual Differences*, 38 (5), 1009-1019.
- Donnellan, M. B., Conger, R.D., & Bryant, C. M. (2005). Erratum to the big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*, 39 (1), 206-207.
- Huston, T. L. ; Cauglin , Housts , R.M & Smith , sh (2001). The connubial crucible : Newlywed years As predictors of marital delight. Distress and divorce. *Journal of personality & social psychology*. 80(2), 232-252
- Nichols, M. P. (2005). Concurrent discriminant validity of the Kansas marital satisfaction scale. *Journal of Marriage and the Family*, 48(2): 381-38
- Byers, E. S. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction. A longitudinal study of individuals in long-term relationships. *Journal of Sex Research*, 42(2): 113-118.7
- Breznyak, M., & Whisman, M. (2004). Sexual desire and relationship functioning; its effect of marital satisfaction and power. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 30(3): 199-217.



Anticipation of emotional divorce based on personality characteristics and marital satisfaction components

Marzieh Sadegh Mozji ²⁶, Hossein Sa'emi ^{27*}

Received: 2017/06/22

Accepted: 2017/12/06

Abstract

The family is a social system that is the basis of development in all societies. The disruption of the family institution or its failure will cause many problems in society. Divorce is one of a kind of family disruption that has been increasing in Iran over the past years. One of the most important types of divorce is emotional divorce, which is not recorded anywhere, and does not have an objective look. But its destructive effects occur in various fields.

The purpose of this study was to investigate the status of emotional divorce and its prediction based on personality traits and marital satisfaction components in Shahroud city in 2014. To this end, 630 married people were selected randomly and after obtaining the necessary explanations and drawing their contributions, the required information was obtained through a researcher-made questionnaire. To study the main variables of the research, Gatman's emotional divorce questionnaire, NEO personality questionnaire, and marital satisfaction questionnaire Enrich. For data analysis, descriptive statistics were used for its significance. Correlation tests, multivariate analysis of variance and regression analysis were used. The results showed that 37% of subjects in the sample group suffered from emotional divorce, and a total of 67% of the sample group suffered from one or more problems in their emotional relationship with the spouse. 32% of changes in emotional divorce are predictable due to neuroticism personality traits and personality topics in Enrique's test. By adding the marital relationship variable 41% and adding the conflict resolution variable 49% and adding the gender variable 62% and The addition of other variables increases by 73%.

Key words: Emotional divorce, personality trait, marital satisfaction.

²⁶ - Honorary police of Shahrood

^{27*} - Islamic Azad University of Shahrood Branch (Corresponding Author)

Seemi_ho@yahoo.com